



Environmental Threats to human Security and the Role of International Non-Governmental Organizations in Dealing With it

Masoud Gomari¹, Saber Niavarani^{2*}, Mohsen Mohebi³

1. PhD Student of Public International Law, Faculty of Law - Theology and Political Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of International Law, Faculty of Law - Theology and Political Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor, Department of International Law, Faculty of Law - Theology and Political Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 727-744

Article history:

Received: 14 Jul 2021

Edition: 07 Sep 2021

Accepted: 12 Nov 2021

Published online: 20 Mar 2022

Keywords:

Security, Threat, Environment, International Law, International Peace.

Corresponding Author:

Saber Niavarani

Address:

Iran, Tehran, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Theology and Political Sciences.

Orchid Code:

0009-0004-1157-0524

Tel:

021 44845201

Email:

saberneavarani@gmali.com

ABSTRACT

Background and Purpose: Security has been one of the most important concerns of mankind throughout the ages. However, security has never been a static concept and has been transformed in every period of history to meet human conditions and needs. One of the most important aspects of security is institutional security and one of the most important forms of human security is environmental security, which has faced many threats along with industrial development. Accordingly, the purpose of this article is to examine the role of international non-governmental organizations in facing environmental threats to human security.

Materials and Methods: This article is descriptive and analytical. Materials and data are also qualitative and data collection was used in collecting materials and data.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are respected.

Findings: The findings showed that the World Red Cross non-governmental organizations have been active in the formation of international documents to support victims of natural disasters and armed conflicts in the form of humanitarian aid. It is necessary for the international these new threats and to determine a special trustee for them and to prepare the necessary mechanisms and tools to deal with them.

Result: The result is that. It is an undeniable necessity to draw up an international agreement whereby the right to receive humanitarian aid as well as the right to access victims of natural disasters is officially and explicitly recognized.

Cite this article as:

Gomari, M; Niavarani, S; Mohebi, M. *Environmental Threats to human Security and the Role of International Non-Governmental Organizations in Dealing With it*. Documents. Economic Jurisprudence Studies. 2022.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره سوم، شماره پیاپی ۵، سال ۱۴۰۰

تهدیدات زیست‌محیطی امنیت انسانی و نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در مقابله با آن

مسعود گماری^۱، صابر نیاورانی^{۲*}، محسن محبی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق - الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق - الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق - الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: امنیت، یکی از مهمترین دغدغه‌های بشر در طول قرون و اعصار بوده است؛ لکن امنیت هیچگاه مفهومی ایستا نبوده و در هر دوره از تاریخ به فراخور شرایط و نیازهای بشری دستخوش تحول شده است. یکی از مهمترین ابعاد امنیت، امنیت انسانی و یکی از مهمترین اشکال امنیت انسانی، امنیت زیست‌محیطی است که، به موازات توسعه صنعتی، با تهدیدهای زیادی مواجه شده است؛ بر همین اساس هدف مقاله حاضر، بررسی نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در مواجهه با تهدیدات زیست‌محیطی فراروی امنیت انسانی است.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد تهدیدات زیست‌محیطی، تهدیدات اقتصادی و بهداشتی و تهدیدات زیست‌محیطی مرزگذر از مهمترین تهدیدهای زیست‌محیطی فراروی امنیت انسانی است و سازمان‌های غیردولتی صلیب سرخ جهانی، در شکل‌گیری اسناد بین‌المللی حمایت از قربانیان بلایای طبیعی و مخاصمات مسلحانه به صورت کمک‌های بشردوستانه فعال بوده‌اند.

نتیجه: لازم است جامعه جهانی مجموعه‌ای از قواعد و مقررات متمرکز و یکسان برای مقابله با این تهدیدهای جدید وضع و متولی ویژه‌ای را بران آن نیز تعیین و سازوکارها و ابزارهای لازم برای مقابله را تدارک ببیند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۷۲۷-۷۴۴

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۳

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۶/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۲/۲۹

واژگان کلیدی:

امنیت، تهدید، محیط‌زیست، حقوق بین‌الملل، صلح بین‌الملل.

نویسنده مسئول:

صابر نیاورانی

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، گروه حقوق بین‌الملل.

کد ارکید:

0009-0004-1157-0524

تلفن:

021 44845201

پست الکترونیک:

saberneavarani@gmali.com

۱. مقدمه

تا چند دهه پیش گفتمان امنیت، رویکردی نظامی و دولت محور داشت. از نظر دولتها امنیت ملی و دفاع از سرزمین در مقابل تهدیدات نظامی در اولویت قرار داشت، ظهور پدیده جهانی شدن تغییرات اقلیمی و معضلات زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی زمینه را برای گرایش به مفهوم "امنیت انسانی" و توجه به تهدیدهای جدید را فراهم ساخته است. در عصر ما عامل و منشأ تهدید صرفاً جنگ نیست. گرم شدن کره زمین، فرسایش لایه ازن، بیابان‌زایی، تخریب جنگل‌ها و زمین‌های کشاورزی، تغییرات اقلیمی و کاهش نزولات آسمانی، کمبود منابع آب شرب، آب شدن یخ‌های قطبی و بالآ آمدن سطح آب دریاها، آلودگی‌های آب و هوا و به‌ویژه آلودگی‌های مرزگذر شامل ریزگردها و ذرات معلق که عاملی برای گسترش بیماری‌های مسری هستند؛ از مهمترین تهدیدهای جدید محسوب می‌شوند؛ که زیستگاه و حیات بشر را بطور جدی به مخاطره انداخته است. اگر وضع به همین منوال ادامه پیدا کند جهان شاهد گسیل شدن میلیون‌ها آواره، قحطی و گرسنگی، بیکاری، آوارگی، شیوع بیماری‌های مسری و نبود آب و فقدان زیستگاه مناسب برای زندگی خواهد بود. این عوامل خود موجب فروپاشی جوامع، حکومت‌ها و از عوامل بروز جنگ و مخاصمه نیز خواهد بود. فقدان حاکمیت و حکمرانی خوب و مسئول، شکاف عمیق بین طبقات اجتماعی و نقض حقوق اولیه انسانی و عدم برخورداری از منابع و زیرساخت‌های اقتصادی و بهداشتی نیز از تهدیدهای جدید محسوب می‌شود که امنیت اقتصادی، سیاسی و بهداشتی بشریت را نشانه گرفته است. شاید به دلیل همین نقایص

ساختاری و ضعف‌های حقوقی و سیاسی است که بشریت از طریق جامعه مدنی جهانی و رکن رکین آن یعنی سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی به مشارکت مستقیم در نظام تصمیم‌سازی و قاعده گذاری بین‌المللی و سازوکارهای نظارتی پرداخته است. براین اساس تحقیق پیرامون تحولات رخ داده در حوزه امنیت انسانی و تهدیدهای جدید علیه این ارزش بشری و وضعیت فعلی حقوق بین‌الملل یک ضرورت انکارناپذیر و موضوع مقاله حاضر است. بر همین اساس هدف مقاله حاضر، بررسی این مسائل است که تهدیدات زیست‌محیطی فراروی امنیت انسانی چیست و سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در مقابله با آن چه نقشی دارد؟ فرضیه مقاله نیز عبارت است از اینکه «تهدیدات اقتصادی و بهداشتی و تهدید زیست محیطی مهمترین تهدیدات فرروی امنیت انسانی است و نهادهای غیردولتی بین‌المللی چون سازمان صلیب سرخ جهانی نقش مهمی در مقابله با این تهدیدات ایفا می‌کنند». به منظور بررسی سؤال و فرضیه مورد اشاره ابتدا تهدیدهای جدید علیه امنیت انسانی بررسی شده و در ادامه از نقش سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی در مقابله با تهدیدات زیست محیطی بحث شده است.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌ها نشان داد تهدیدات زیست محیطی، تهدیدات اقتصادی و بهداشتی و تهدیدات زیست محیطی مرزگذر از مهمترین تهدیدهای زیست محیطی فراروی امنیت انسانی است و سازمانهای غیر دولتی صلیب سرخ جهانی، در شکل‌گیری اسناد بین‌المللی حمایت از قربانیان بلایای طبیعی و مخاصمات مسلحانه به صورت کمک‌های بشردوستانه فعال بوده‌اند.

۵. بحث

امنیت از نظر لغوی از ریشه لاتین *Secure* و به معنای نداشتن دلهره و دغدغه و ایمنی روانی، رهایی از ترس و هراس و آرامش و اطمینان است (دهخدا، ۱۳۷۲، ذیل واژه امنیت)؛ اما از نظر اصطلاحی، مفهوم، امنیت تا حدودی مبهم است چرا که مفهومی ایستا نبوده (افتخاری، ۱۳۹۷، ۲۵). و همزمان با تحولات پیرامونی و متأثر از پایان جنگ سرد و جهانی شدن با ایده‌هایی درمورد اقتصاد، سیاست و مسایل زیست محیطی مرتبط و عجین شده است (ایوانز؛ نیونهام، ۱۳۹۱، ۷۴۴-۷۴۲). و لفرز امنیت را به معنای عدم وجود تهدید علیه ارزشها و عدم وجود ترس از حمله به ارزشها می‌داند و ماندل نیز امنیت ملی را تعقیب روانی و مادی ایمنی و جز مسئولیت حکومت‌های ملی برای محافظت از کشور و شهروندان در مقابل تهدیدات خارجی می‌داند (ماندل، ۱۴۰۲، ۴۹). داریوش آشوری در تعریف امنیت ملی

می‌نویسد: «امنیت ملی حالتی است که ملتی فارغ از تهدید از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت دارایی یا خاک خود به سر برد» (آشوری، ۱۳۸۶، ۳۹).

امنیت هم از نظر مفهومی و هم از نظر عینیت خارجی و نیز از حیث سطوح جغرافیایی و اجتماعی دارای ابهام است؛ آنگونه که آلستایر بوکان Alastair Buchan گفته است؛ امنیت واژه‌ای است که معانی بسیار دارد (هافندرون، ۱۳۷۱، ۳). در گذشته امنیت ملی مهمترین دغدغه کشورها محسوب می‌شد و تأمین امنیت در سطح بین‌المللی نیز منوط به تأمین امنیت ملی بود و در فضای امن ملی بود که افراد امنیت پیدا می‌کردند. برخی از نویسندگان معتقدند که: "یک ملت زمانی امنیت دارد که مجبور نباشد منافع مشروع خود را صرف پرهیز از جنگ نماید و قادر باشد در صورت لزوم آن منافع را از طریق جنگ حفظ کند" (روشندل، ۱۳۹۴، ۱۱). برخی دیگر امنیت را به "استفاده بهینه از فرصت‌ها برای دفع تهدیدها" تعریف کرده‌اند (خلیلی، ۱۳۸۳).

بنظر می‌رسد که در دهه‌های اخیر نظام بین‌المللی با چرخش معنادار از امنیت بین‌المللی به سمت امنیت افراد و مردم و طرح مفهوم "امنیت انسانی، معنایی جدید از مفهوم "امنیت را مطرح کرده است که طیف وسیعی از مقوله‌های زندگی فردی و جمعی بشری را دربرمی‌گیرد (عنان، ۱۳۹۴، ۴). از امنیت فردی و اجتماعی و سیاسی گرفته تا امنیت اقتصادی، غذایی، بهداشتی و زیست محیطی واژه "امنیت" در متون و ادبیات حقوق بین‌المللی، عموماً پس از واژه "صلح" آمده و مرتبط و یا حتی معادل آن مورد استفاده و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. واژه صلح در معنای لغوی به معنای آشتی و دوستی و سازش به کار رفته

زمینه‌ای برای امنیت و امنیت زمینه‌ای برای صلح پایدار است (خلیلی، ۱۳۸۳، ۲۳). مفهوم امنیت همواره تحت تأثیر افکار واقع‌گرایان و آرمان‌گرایان بوده است. واقع‌گرایی برعکس آرمان‌گرایی به دنبال کاهش و مدیریت بحران و مخاصمه و صلح نسبی است نه محور کامل آن؛ اما آرمان‌گرایی به دنبال جهانی امن، عادلانه و صلح پایدار و جاویدان است (دانلی، ۲۰۰۴، ۱۰). اساساً تحول مفاهیم همگام به تحولات ساختاری و ارزشی و تغییر الگوهای رفتاری، از خصوصیات نظام بین‌المللی است (قوام، ۱۹۹۵، ۱۷۲). که در علوم انسانی و اجتماعی بارزتر هست چرا که مفاهیم، وابسته به محیط پیرامونی و تحولات درونی و بیرونی آن هستند (خلیلی، ۱۳۸۵، ۱۳۱). در دنیای امروز که عصر همبستگی نامیده می‌شود هیچ ملتی به تنهایی نمی‌تواند به امنیت دست پیدا کند. امنیت یک مفهوم انسانی و یک شاخصه جهانی پیدا کرده است و مقوله‌ها و عوامل تأثیر گزار بر آن به کلی دگرگون شده است که نوعی همکاری جهانی با حضور تمام بازیگران را می‌طلبد. از این منظر، صلح و امنیت بین‌المللی الزاماً معادل عدم بروز جنگ و مخاصمه نیست بلکه مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی به مفاهیم دموکراسی، حقوق بشر، اقتصاد، فقر و گرسنگی و محیط زیست و فن‌آوری‌های جدید و مخاطرات ناشی از آنها گره خورده است. مفهوم "امنیت انسانی" توسط برنامه توسعه ملل متحد (UNDP) در مطالعات و گزارش‌های سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۴ مورد استفاده قرار گرفت و به مرور وارد ادبیات حقوقی و سیاسی در روابط بین‌المللی شد. براساس این مفهوم، برای مردم جهان، امنیت چیزی فراتر از نبود جنگ و تهدیدهای نظامی است.

است (دهخدا، ۱۳۷۲، ذیل واژه صلح). و در اصطلاح، صلح حالتی است که در آن جنگ حکفرما نباشد (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۲، ۴۰۸). سازمان ملل متحد مفهوم آن را وسعت داده و بعنوان یک "نهاد مبتنی بر عدالت" تلقی کرده است (بیگزاده، ۱۴۰۲، ۵۱۶). در متن منشور سازمان ملل متحد واژه‌های "صلح و امنیت" در کنار هم مورد استفاده قرار گرفته است. برداشت‌های جدید از این دو مفهوم در قالب "صلح پایدار" و "امنیت انسانی" با تفاسیری موسع از آنها، این دو مفهوم را به یکدیگر نزدیک کرده است چرا که هر دو به مقوله‌های غیر از جنگ و امور نظامی از جمله فقر و گرسنگی، حقوق بشر، توسعه و محیط زیست دلالت یافته‌اند. صلح در معنای موسع چیزی فراتر از فقدان جنگ است و امنیت نیز در مفهوم موسع خود فراتر از صلح و آرامش گورستانی است.

۵-۱. تحول مفهوم امنیت: از امنیت ملی تا امنیت انسانی

مفهوم امنیت از مقوله‌هایی است که در گذر زمان و تحت تأثیر تحولات بین‌المللی به ویژه رخدادهای زیست‌محیطی، بحران‌ها، بلایا و فجایع طبیعی، دستخوش تحول شده است. از سوی دیگر این تحولات را در چارچوب ارزشمند گفتمان امنیتی می‌توان درک کرد (فن‌نیگ‌شتروم، ۱۳۸۹، ۱۴). «تا چند دهه پیش دغدغه اصلی دولت‌ها امنیت ملی و مبتنی بر مسایل نظامی و قدرت سیاسی بود و از دیدگاه بسیاری، امنیت محصول و نتیجه قدرت و صلح پس از جنگ محسوب می‌شد» (بوزان و همکاران، ۱۳۹۲، ۲۹). با تحول مفهوم صلح و تغییر رویکرد آن از صلح منفی به صلح مثبت گفتمان امنیت نیز دچار تحول شده است. صلح مثبت

ملموس نباشد اما در بلندمدت عمیق و فاجعه‌بار خواهد بود آنچنانکه بنیان‌های امنیت و زندگی بشری را نابود خواهد کرد.

۵-۲. تهدیدهای جدید علیه امنیت انسانی

در این قسمت به بررسی تهدیدهای جدید علیه امنیت انسانی پرداخته می‌شود.

۵-۲-۱. تهدیدات زیست محیطی

بطور کلی تهدیدهای علیه امنیت انسان در تمام سطوح ملی و بین‌المللی به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند. تهدیدات مخاصمه محور و تهدیدات غیر مخاصمه محور، منشأ و عامل تهدیدات مخاصمه محور دولت و جنگ و منازعه بین آنها است؛ وماهیتی نظامی و مسلحانه دارد؛ اما تهدیدات غیرمخاصمه محور، چیزی فراتر و در عین حال بنیانی‌تر از جنگ و منازعه مسلحانه است. اگرچه با گسترش جنگ‌های داخلی و درگیری‌های پراکنده قومی، قلمرو تهدیدات مخاصمه محور نیز متحول شده است؛ اما مهمتر از این تحول، ظهور و بروز تهدیدات جدید با منشأ جدید و گستردگی بیشتر است. اکنون علاوه بر دولت‌ها و جنگ‌های خشونت‌بار، معضلات زیست‌محیطی، فجایع طبیعی و حوادث صنعتی از عوامل تهدیدزا هستند. شتاب گرفتن توسعه صنعتی کشورها و به تبع آن افزایش تولید و مصرف بی‌رویه و بهره‌برداری نامناسب از منابع طبیعی از جمله مصرف بی‌رویه سوخت‌های فسیلی، موجب تخریب محیط زیست شده و جامعه بشری را با یک تهدید و خطر جدی مواجه کرده است. آلودگی آب و هوا، گرم شدن کره زمین، استهلاک لایه ازن، آب شدن یخ‌های قطبی و بالا آمدن سطح آب دریاها و احتمال زیر آب رفتن برخی سرزمین‌ها، کاهش باران‌های اسیدی و تخریب

امنیت انسانی از یک سو در معنای مضیق به آرامش فوری و فقدان ترس و هراس اشاره دارد و از سویی دیگر در مفهومی موسع بر فقدان نیاز فوری و رهایی از نیاز می‌پردازد و هر دو را بطور همزمان به عنوان ارکان اصلی امنیت انسانی معرفی می‌کند. این مفهوم به امنیت تک تک افراد انسانی به همان اندازه توجه می‌کند که به امنیت دولت‌ها و اینکه دولت‌ها نمی‌توانند برای مدت طولانی امنیت داشته باشند مگر آنکه شهروندان آنان امنیت داشته باشند (یو.ان. دی. پی، ۱۹۹۰، ۷۰). «گزارش‌های دو کمیسیون برانت و پالمه در سال ۱۹۸۰ خواستار مفهوم جدیدی از امنیت شد که در آن بتوان از مفاهیم و دیدگاه‌های مضیق و محدود به امور نظامی و جنگی فراتر رفت و به معنای همبستگی متقابل دست یافت» (بوزان، ۱۳۹۲، ۷۲).

مفهوم مدرن و جدید امنیت انسانی بر آن است که با قرار دادن انسان و مردم در اولویت امنیت و طرح مسایلی چون فقر و گرسنگی، گسترش بیماری‌های واگیر، عقب‌ماندگی سیاسی و اجتماعی، حقوق بشر و محیط زیست و تهدیدات زیست‌محیطی، این ایده را ترویج و تبیین نماید که امنیت جهانی در گرو امنیت انسانی و تک‌تک مردم است و هرآنچه که امنیت انسان را به خطر می‌اندازد، امنیت بین‌المللی را نیز تهدید و به مخاطره خواهد انداخت.

یکی از مهمترین عواملی که امنیت انسانی را در تمام سطوح ملی و بین‌المللی به مخاطره انداخته و بطور جدی تمام نسل‌های حاضر و آینده بشر را تهدید می‌کند، معضلات زیست‌محیطی و تخریب محیط زیست و اکوسیستم است. اگرچه ممکن است در برخی موارد آثار ظاهری این تهدیدات فوری و

و توسعه صنعتی در حریم تالابها از جمله چالش‌های زیست محیطی هستند که امنیت انسانی را در معرض تهدید قرار داده است.

۵-۲-۲. تهدیدات زیست محیطی مرزگذر

ویژگی بارز معضلات زیست‌محیطی این است که محدود به مرزهای ملی نیستند و برای ورود به کشورها منتظر جواز ورود نمی‌مانند. این مشکلات خصوصیتی فرامرزی دارند و عموماً در سطوح منطقه‌ای و جهانی به دو یا چند کشور و یا کل ساکنان کره زمین مرتبط بوده و بر همه تأثیر می‌گذارند. بهره‌برداری از منابع طبیعی مشترک اعم از رودخانه‌های مرزی و یا رودخانه‌هایی که از چند کشور عبور می‌کنند، احداث سدهای متعدد در کشورهای بالادست و یا منحرف کردن رودخانه‌ها، نحوه استفاده منابع معدنی و نفت و گاز مشترک، جو و فضای ماوراء جو، دریا‌های بسته و نیمه بسته، گذرگاه‌های آبی، پرندگان مهاجر و جنگل‌ها و قلمروهایی مشترک از مهمترین چالش‌های حقوق بین‌المللی محیط‌زیست هستند. حقوق بین‌المللی فعلی در این مورد از غنای کافی برخوردار نیست و در بطن آن منطقه‌ای نزاع و درگیری نهفته است.

با این اصل حسن همجواری یکی از قواعدی است که در کنار اصل حسن‌نیت، اصل لاضرر و اصل منع سوءاستفاده از حق، کشورها را ملزم می‌نماید که از سرزمین و منابع‌شان به نحوی استفاده نکنند که باعث خسارت و صدمه به منابع و محیط زیست کشور یا کشورهای همسایه گردد. در برخی از دعاوی محیط زیستی و اسناد بین‌المللی به این امر اشاره شده است. اگرچه براساس اصل حاکمیت بر منابع طبیعی، کشورها در بهره‌برداری از منابع طبیعی خود

جنگل‌ها، فرسایش خاک و بیابان‌زایی و جنگل‌زدایی، نابودی زمین‌های کشاورزی و گونه‌های گیاهی و جانوری، تغییرات اقلیمی و بلایای طبیعی، از بین رفتن زیست‌گاههای حیات وحش، کاهش منابع آب آشامیدنی و آلودگی دریاها و منابع آب زیرزمینی و کاهش سطح آنها، استفاده بیش از حد و افسارگسیخته از سموم و مواد شیمیایی در طبیعت، زیستگاه بشر و امنیت او را از تمامی ابعاد به مخاطره افکنده و در معرض تهدید جدی قرار داده است.

براساس گزارش مرکز توسعه سازمان ملل متحد (undp) در سال ۱۹۹۴ تشدید صنعتی شدن، سرعت رشد جمعیت، آسیب به اکوسیستم‌های محلی، کمبود آب و هوا، بلایای طبیعی و صنعتی، نابودی جنگل‌ها و تغییرات اقلیمی و گرم شدن کره زمین از مهمترین عوامل تنش‌زا و زمینه‌های درگیری و نزاع محسوب می‌شوند.

کمبود منابع آب شرب و کشاورزی علاوه بر سرعت بخشیدن به روند فقر و بیکاری که موجب تنش‌ها و آشوب‌های داخلی می‌شود در روابط بین کشورهای همسایه که از منابع آب واحد تغذیه می‌کنند؛ نیز عاملی برای درگیری و خشونت خواهد بود. جنگل‌زدایی و بیابان‌زایی و کاهش بارانهای گرمسیری موجب از هم پاشیدگی خاک و دلیلی بر کاهش تولیدات کشاورزی و منابع غذایی و در نهایت ناامنی غذایی خواهد بود (خورخه نف، ۱۹۹۹، ۲۶) تهدیدات زیست محیطی آثار زیان بار فعالیت‌های انسانی بر اکوسیستم‌هاست. بسیاری از آلاینده‌ها خواه مستقیم و خواه غیر مستقیم محیط زیست ما را تهدید می‌کنند. تغییر اقلیم، فرونشست زمین، ناپایداری محیط زیست، تخریب جنگل‌ها و تنش و بحران آب

آزاد هستند؛ اما در صورت ایراد خسارت به کشورهای همسایه و کشورهای دیگر، براساس نظام مسئولیت بین‌المللی و تئوری مسئولیت ناشی از اعمال منع نشده، مسئولیت پیدا خواهند کرد.

رقابت در بهره‌برداری از منابع طبیعی مشترک از یک سو و آلودگی‌های مرزگذر از جمله ذرات معلق و ریزگردها از سوی دیگر از چالش‌های مهم این حوزه هستند. بنظر می‌رسد که پس از آگاهی و بیداری بین‌المللی نسبت به معضلات و خطرات زیست محیطی، اصل حاکمیت بر منابع طبیعی تعدیل گشته و حقوق بین‌الملل از رهگذر حقوق نرم به قواعدی الزام‌آور در این باب رسیده است. براساس اعلامیه ۱۹۷۸ استکهلم و منشور جهانی طبیعت و اعلامیه حقوق و تکالیف اقتصادی دولت‌ها، کشورها در بهره‌برداری از منابع طبیعی و محیط زیست خود باید به نحوی عمل کنند که اطمینان حاصل نمایند موجب خسارت به محیط زیست و سامانه‌های طبیعی سایر کشورها نمی‌شود. دولت‌ها دیگر در داخل مرزهای خود قدرت مطلق و اختیار تام و بی‌حد و مرز ندارند. تعهدات عامل‌الشمول و قواعد کلی حقوق بین‌الملل و اصول اساسی حقوق بشر و حقوق بین‌الملل محیط زیست، قدرت دولت‌ها را در قلمرو سرزمینی‌اشان محدود کرده است (موسوی، ۱۳۹۵، ۱۳۱).

شورای امنیت سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۲ در اعلامیه پایانی نشست خود اعلام کرد که موضوعات محیط زیستی و اجتماعی ممکن است به عنوان عوامل تهدید کننده صلح و امنیت بین‌المللی عمل کنند: «فقدان جنگ و برخورداری‌های نظامی بین کشورها بخودی خود تأمین کننده صلح و امنیت بین

المللی نیست. ریشه‌های غیرنظامی بی‌ثباتی در حوزه‌های زیست محیطی، اکولوژیکی، اقتصادی، اجتماعی و بشر دوستانه تهدید بر صلح و امنیت بین‌المللی تلقی می‌شوند». در ارتباط با تلقی کردن تهدیدات و معضلات محیط زیستی به عنوان تهدید بر علیه صلح و امنیت بین‌المللی، شورای امنیت سازمان ملل متحد، برای اولین بار به هنگام آتش زدن چاه‌های نفت توسط رژیم صدام در جنگ علیه کویت، ضمن سرزنش دولت صدام وارد این موضوع شد و در آن قضیه دولت صدام را مسئول خسارات زیست محیطی دانست. «شورای امنیت همچنین در زمینه محیط زیست در سال ۲۰۰۱ قطعنامه شماره ۱۳۷۶ راتصویب کرد و بهره‌برداری از منابع طبیعی برای تأمین مالی مخاصمات و جنگ‌هایی که در کنگو جریان داشت را محکوم کرد. در ارتباط با تروریسم و تلقی آن به عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی، شورای امنیت ابتدا قطعنامه ۷۴۸ را صادر و طی آن تروریسم را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی اعلام کرد، سپس متعاقب حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ مجدداً تروریسم را به عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی اعلام کرد. در سال ۲۰۰۴ شورای امنیت قلمرو تهدیدات بر علیه صلح و امنیت بین‌المللی را گسترش داد و اعلام کرد که سلاح‌های کشتار جمعی تهدید کننده صلح و امنیت بین‌المللی هستند. شورای امنیت حتی دامنه تفسیر خود را به مسایل بهداشتی نیز گسترش داده و شیوع ایدز را به عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی کرده است». البته برخی از مواردی که شورای امنیت تهدید کننده صلح و امنیت بین‌المللی تلقی کرده است، بخودی خود تهدید مستقیم علیه صلح و امنیت بین‌المللی محسوب نمی‌شوند؛ بلکه با

صلح و امنیت بین‌المللی تلقی کرده است. (۱) جنگ‌های داخلی (۲) بحران‌های انسانی از جمله پاکسازی‌های قومی و تصفیه نژادی (۳) تغییر نظام‌های سیاسی آنچنانکه در هائیتی اتفاق افتاد (۴) تروریسم و صدمات شدید و گسترده به محیط زیست و استفاده ابزار از آن در جنگ.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز در اعلامیه‌ای که در ۱۰ سپتامبر ۱۹۹۱ تصویب کرد، اعلام نمود که صلح فقط نبود جنگ نیست بلکه روند مثبت و پویا و مشارکتی است که گفتگو را تشویق می‌کند و حل و فصل درگیری‌ها را از طریق مسالمت‌آمیز با تفاهم و همکاری متقابل امکان‌پذیر می‌سازد. در بند ۳ همین اعلامیه مقرر شده است که توسعه کامل فرهنگ صلح به تحقق موارد متعدد منوط شده است که عدم خشونت فقط یکی از موارد آن است. کنفرانس عمومی یونسکو نیز در هجدهمین اجلاس خود اعلام نمود که صلح واقعی، صلحی عادلانه و سازنده است. نباید صلح را تنها به مفهوم نبود جنگ دانست بلکه وجود یک نظام دموکراتیک در روابط بین‌المللی بر مبنای منافع مشترک و با محدوده احترام به حقوق بشر می‌تواند صلح واقعی تلقی شود. با توجه به تغییر در ماهیت تهدیدها، کوفی عنان دبیر کل سابق سازمان ملل متحد در سپتامبر ۲۰۰۳ جمعی از متخصصین را دعوت کرد و یک هیئت عالی را مأمور بررسی و تحقیق پیرامون تهدیدات جدید و چالش‌های پیش روی جهان کرد. در گزارش این هیئت، تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی عبارت است از «هر اتفاق یا فرآیندی که منجر به مرگ در یک مقیاس وسیع یا کاهش شانس زندگی شود و کشورها را به عنوان واحدهای اساسی نظام بین‌المللی

توجه به اینکه ریشه‌ها و بنیان‌های بشری صلح را در معرض خطر قرار می‌دهند و با توجه به اثرات و عوارض جانبی که دارند و نظر به تفاسیر جدید از مفهوم «صلح» و «امنیت»، تهدید علیه صلح و امنیت محسوب می‌شوند.

از آنجا که با آغاز عصر جهانی شدن و پدیداری مفهوم جامعه مدنی جهانی، مفهوم «صلح و امنیت بین‌المللی» تغییر یافته است دیگر این دولت‌ها نیستند که هم تهدید کننده صلح و امنیت باشند و هم تأمین کننده آن؛ ماهیت تهدیدات تغییر پیدا کرده و متنوع شده است و از ابعاد نظامی و مخاصمه محور به سمت تهدیدات غیر مخاصمه محور با ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی تغییر جهت و تغییر ماهیت داده است. امروزه، افزایش بی‌رویه جمعیت، آوارگی‌ها و مهاجرت‌های بی‌رویه، گسترش فقر و گرسنگی، کمبود منابع آب و گسترش بیابان‌ها و تخریب محیط زیست، بالا آمدن سطح آب دریاها و حوادث صنعتی و تکنولوژیکی نیز تهدیدهای جدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی هستند.

در عصر حاضر بر خلاف مفهوم سنتی امنیت جمعی که بیشتر در مقابل تجاوز به کار می‌رفت مفهوم «امنیت انسانی رواج پیدا کرده است که به معنای ایمنی از تهدیدات جدی دنیای امروز نظیر گرسنگی، بیماری، ستم‌دگی و آثار تبعات زیانبار و ناگهان ناشی از شکل زندگی جهان معاصر است که باعث گسترش امنیت جهانی از امنیت دولت‌ها به امنیت انسان‌ها و نباتات و گیاهان شده است. به لحاظ فلسفی تفاوتی ندارد که انسان‌ها در جنگ بمیرند یا در گرسنگی و فقر و بلایای طبیعی و برپایه همین تفکرات که شورای امنیت، موارد زیر را تهدید علیه

از بحران‌های طبیعی است که امنیت ملی کشورها را متاثر ساخته است، از این رو از متغیرهای اساسی امنیت ملی محسوب می‌شوند. به عنوان مثال بحران‌های زیست محیطی، به ویژه بحران ریزگردها و خشکسالی که طی سال‌های اخیر چالش جدی برای منطقه خاورمیانه بوده است. همکاری کشورهای منطقه را می‌طلبد؛ و در مقطع کنونی در منطقه خاورمیانه، وجود بحران‌ها و کشمکش‌های سیاسی از جمله اشغال عراق، تحولات ۲۰۱۱ و پیامدهای آن و نیز اختلافات هیدروپلیتیک میان کشورهای منطقه شرایط نامساعدی را برای مدیریت بحران‌های زیست محیطی از جمله مساله ریزگردها و خشکسالی رقم زده است.

۵-۲-۳. تهدیدات اقتصادی و بهداشتی

فقر مزمن و مطلق، گرسنگی، تورم همراه رکود، بیکاری، بدهی و کاهش فرصت‌ها و اختلافات شدید طبقاتی در درون جوامع و بین کشورهای شمال و جنوب به انحاء مختلف امنیت فردی و بین‌المللی انسان‌ها را نشانه گرفته است. بدیهی است که امنیت اقتصادی پیش‌زمینه امنیت سیاسی است. شکاف عمیق بین فقیر و غنی و شمال و جنوب و گسترش آن موجب تشدید نابرابری‌های اجتماعی و برهم خوردن تعادل و توازن جوامع خواهد شد که خود دلیلی بر طغیان و سرکشی از هر دو طرف (اغنیاء و فقرا) خواهد شد و این تضایف نتیجه‌ای جز فروپاشی و جنگ و خوشنت نخواهد داشت (خورخه نف، ۱۹۹۹، ۴۵).

فقر و گرسنگی خود موجب تهدیدات حیاتی فراگیر، شیوع بیماری‌های مسری از قبیل ایدز، ابولا، آنفولانزا، مالاریا، سل ... می‌گردد. ضعف‌های ساختاری و ابزاری

تضعیف نماید. این هیئت عالی رتبه تهدیدات علیه صلح و امنیت بین‌المللی را به شش دسته زیر تقسیم کرد: (۱) تهدیدات اجتماعی، اقتصادی، بیماری‌های واگیردار و آلودگی‌های زیست محیطی (۲) مخاصمات فی مابین دولت‌ها (۳) مخاصمات داخلی، از قبیل جنگ‌های داخلی و نسل‌کشی (۴) تروریسم (۵) جرایم سازمان یافته.

قطعنامه ۲۳۹۸ آغازگر توجه سازمان ملل به مسئله محیط زیست و کنفرانس استکهلم نقطه عطف توجه عمومی به حفاظت از محیط زیست است. مجمع عمومی سازمان ملل بموجب قطعنامه ۲۹۹۷ مورخ ۱۵ دسامبر ۱۹۷۲ "برنامه محیط‌زیست ملل متحد" را بوجود آورد که در آگاهی‌بخشی و شناخت و معرفی معضلات زیست‌محیطی و ترویج حفاظت و مراقبت از محیط زیست نقش مهمی داشته است (فیروزی، ۱۳۸۲، ۳۲).

قطعنامه ۳۲۸۱ مورخ ۲۸ اکتبر ۱۹۸۲ انسان را جزئی از طبیعت تلقی کرده و محیط زیست را به صلح و امنیت پیوند زده است. برگزاری کنفرانس ریو بموجب قطعنامه ۲۲۸/۴۴ مورخ ۲۸ دسامبر ۱۹۸۹ آغازگر مفهوم مسئولیت در تخریب محیط زیست و پیوند بین توسعه پایدار و محیط زیست بود.

بطور کلی مجموعه‌ای از اسناد، قطعنامه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی وجود دارد که در همه آنها به نحوی به حق بشر بر محیط زیست سالم اشاره کرده و بین امنیت و حقوق بشر، مسئولیت و محیط زیست پیوند زده‌اند (بویل، ۲۰۰۸، ۳۷). در کل باید گفت که در دهه‌های اخیر تغییرات زیست محیطی، چالش‌های اساسی را در ارتباط با امنیت انسانی در جهان ایجاد کرده است. بخشی از این ناامنی، ناشی

انسان به عنوان غایت‌الغایات باشد (آرماتیا کومارش، ۱۳۸۱، ۲۹). از طرف دیگر مفهوم "توسعه پایدار" نیز به عنوان یک اصل کلی وارد ادبیات حقوقی و اقتصادی شده است که در مباحثات نظری و برنامه‌های عملی در سطوح ملی و بین‌المللی ربط وثیقی به مسایل محیط‌زیستی پیدا کرده است. در بند ۲ مقدمه اعلامیه "حق توسعه" ۱۹۸۶ مجموع عمومی سازمان ملل متحد چنین آمده است. «توسعه یک فرآیند همه‌جانبه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی است که هدف آن بهبودی مستمر رفاه کل جمعیت و همه افراد انسانی بر مبنای مشارکت فعال آزاد و مفید آنها در توسعه و در تقسیم عادلانه منابع حاصل از آن است» (شایگان، ۱۳۸۸، ۱۷).

نیل به توسعه پایدار مستلزم توجه و حمایت از محیط‌زیست است و توجه به مسایل زیست‌محیطی باید بخشی از جریان توسعه اقتصادی باشد. در اعلامیه ریو ۱۹۹۲ آمده است که هرگونه اقدام و برنامه رشد اقتصادی باید با در نظر گرفتن ملاحظات زیست‌محیطی باشد. "امروزه حقوق محیط زیست به عنوان بخشی از حقوق بین‌الملل و مرتبط با آزادی‌های عمومی تلقی می‌شود و از آن تحت عنوان نسل سوم حقوق بشر یا "حقوق همبستگی" یاد می‌شود (بولنت، ۲۰۰۴، ۱۲۸). "مصادیق حقوق همبستگی عبارتند از: حق بر توسعه، حق بر صلح، حق بر محیط‌زیست، حق بر بهداشت و سلامتی، حق بر میراث مشترک بشریت، حق تعیین سرنوشت، حق دریافت کمک‌های بشردوستانه و حق بر ارتباطات (انصاری، ۱۳۹۰، ۲۲). در گزارش "آینده مشترک ما" که توسط گروه برتلند از زیرمجموعه‌های کمیسیون جهانی محیط‌زیست در سال ۱۹۸۷ منتشر شد و

در حوزه‌های بهداشتی، سلامت و امنیت انسانی را در معرض تهدید جدی قرار داده است. باکتری و میکروب‌ها، ویروس‌ها مرز نمی‌شناسند و با توجه به سهولت نقل و انتقال و رشد سریع فن‌آوری‌های حوزه ارتباطات، به سرعت از مرز چند کشور عبور می‌کنند، آلودگی‌های مرزگذر، ریزگردها و ذرات معلق عاملی برای انتقال و شیوه بیماری‌های مسری و تهدید زیرساخت‌های کشورها هستند. در دنیای امروز هیچ کشوری نمی‌تواند به تنهایی امنیت اقتصادی و بهداشتی شهروندان خود را تأمین کند. دستیابی به بالاترین سطح ممکن از سلامتی و بهداشت برای تمام مردم از اهداف سازمان بهداشت جهانی است که مستلزم همکاری تمام دولت‌ها و بازیگران غیردولتی است.

۵-۳. محیط زیست و توسعه پایدار انسانی

ظهور مفاهیم "توسعه انسانی" و "توسعه پایدار" واکنشی بوده است در برابر پارادایم غالب توسعه اقتصادی که بر بهره‌برداری هرچه بیشتر از منابع طبیعی و رشد کمی بدون توجه به مفاهیم عدالت و برابری تمرکز داشته و در این مسیر توجهی به ارزیابی‌های زیست‌محیطی نداشته است (سوروتا، ۱۹۹۵، ۳۰). توسعه انسانی با تأکید بر نیازهای بنیادی افراد بشر بر مسئله زدودن محرومیت و ریشه کردن فقر و توانمندسازی طبقات پائین دست جامعه و ایجاد توازن و تعادل رشد اقتصادی و اجتماعی، تمرکز دارد (سایینا، ۲۰۰۳، ۳۵). براساس این دیدگاه‌ها صرف رشد کمی و توسعه اقتصادی و ثروت‌اندوزی کافی نیست و موجب رفاه و سعادت بشر نمی‌شود. توسعه اقتصادی باید با ملاحظه تمام قابلیت‌ها و ابعاد زیست‌محیطی و زندگی بشر در مسیر رفاه و سعادت

جامعه جهانی کرده‌اند به گونه‌ای که در تحلیل امور بشردوستانه در سطح جهان، نادیده گرفتن وجود و تأثیرگذاری سازمان‌های غیر دولتی که مهم‌ترین مصداق جامعه مدنی هستند، دشوار است. مؤسسات بشردوستانه در نظام ملل متحد نیز روابط خود را با سازمان‌های غیردولتی روز به روز توسعه داده‌اند. برای نمونه، کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان، سازمان‌های غیردولتی را یک شبکه مهم محلی برای خود می‌داند. آن اغلب، مدیریت، پشتیبانی، امور بهداشت و آموزش را در اردوگاه‌های پناهندگان به سازمان‌های غیردولتی می‌سپارد. در ده سال اخیر، حدود ۵۰۰ سازمان غیردولتی سالانه با کمیساریای مزبور همکاری کرده‌اند. «سازمان پزشکان بدون مرز از تشکلهای بشردوستانه و غیردولتی است که در ۲۱ دسامبر ۱۹۷۱ در کشور فرانسه تأسیس شد. کمک به قربانیان بلایای طبیعی، حوادث جمعی زیاد وضعیت‌های جنگی از اهداف این سازمان است. این سازمان به دلیل خصوصی بودن و نداشتن بوروکراسی عریض و طویل و دارا بودن تجارب غنی توانسته و می‌تواند خیلی سریعتر از نهادهای دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌الدولی در امر کمک‌رسانی عمل کند» (خورخه نف، ۱۹۹۹، ۹۰). در این میان، کنفرانس هانی راجع به کاهش بلایا که از ۱۸ تا ۲۲ ژانویه ۲۰۰۵ در هیوگو (ژاپن) برگزار شد، یک اقدام مهم با مشارکت بازیگران جهانی به منظور برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای کاهش آثار بلایای طبیعی و غیر آن بود. سازمان‌های غیردولتی شرکت‌کننده، ملاحظات خود را راجع به مصوبه‌های کمیته مقدماتی رایحه دادند واز دولت‌ها نیز خواسته شد که یک گزارش ملی راجع به کاهش بلایا به دبیرخانه استراتژی بین‌المللی برای کاهش بلایا ارائه نمایند.

همچنین در از برخی قطعنامه‌های مجمع عمومی سامان ملل متحد و معاهدات و اسناد محیط زیستی، توجه به محیط زیست به عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه پایدار ذکر شده است (شهبازی، ۱۳۸۹، ۱۲۶). امروزه مسئله توسعه پایدار و همه جانبه، هم در جهان توسعه یافته و هم در دنیای در حال توسعه مورد نظر و توجه است. توسعه به مفهوم واقعی کلمه با بار معنای پیشرفت با تعادل باید همه جانبه، فراگیر و پایدار باشد تا تحرک همگون و همسوی نیروهای نهفته در درون جامعه را باعث گردد. هنگامی که سخن از همه جانبه بودن توسعه پیش می‌آید، جامعه یک نظام در نظر گرفته می‌شود که کلیه اجزا آن نیازمند تغییر در جهت افزایش کم و کیف می‌باشند. این تغییر زمانی می‌تواند مفید باشد که در مسیر پایداری باشد. به عبارت دیگر توسعه همه جانبه بدون توسعه پایدار، معنای انسانی خود را از دست می‌دهد. در توسعه پایدار فقط منابع و محیط زیست و سهم آیندگان از آن مطرح است. توسعه نباید به قیمت از بین رفتن امکانات نسل‌های آینده باشد. در توسعه همه جانبه و پایدار، باید کل امکانات جامعه به صورت یک مجموعه، ضمن در دسترس بودن همگان، برای نسل‌های آینده حفظ شود. منابع و امکانات باید از بین رونده و کاهش یابنده نبوده و بلکه تجدید شونده و فزاینده باشند.

۴-۵. نقش سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی در

مقابله با تهدیدات زیست محیطی

سازمان‌های غیر دولتی، علاوه بر مشارکت در شکل‌گیری و تنظیم اسناد بین‌المللی مربوط به کمک‌های بشردوستانه به قربانیان بلایای طبیعی، در میدان عمل، فعالیت‌ها و تلاش‌های مهمتری تقدیم

سازمان‌ها به قربانیان بلایا بکار گیرند. مخاطب ضمیمه شماره ۳، سازمان‌های بین‌الدولی هستند که از آن‌ها می‌خواهد تا در صورت تقاضا، حمایت امنیتی خود را به سازمان‌های غیردولتی بشردوستانه تعمیم دهند» (بولنت، ۲۰۰۴، ۴۳)

یکی از نقش‌های مهم سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی در مقابله با تهدیدات زیست‌محیطی، حفاظت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه است. کنوانسیون استاندارد سازی شماره چهار ۱۹۰۷ لاهه مقرر کرده بود که حق متخاصمین برای بکارگیری ادوات برای صدمه زدن به دشمن نامحدود نیست. حفاظت از محیط زیست اولین بار در اولین پروتکل ۱۹۷۷ الحاقی به کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو مورد توجه قرار گرفت که مقرر شد: «بکارگیری روش‌های یا وسایلی از ابزار جنگی با قصد ورود خسارت وسیع، طولانی مدت و شدید به محیط زیست ممنوع است. همچنین اگر بکارگیری این روش‌ها ورود چنین خساراتی محتمل باشد نیز ممنوع می‌باشد» (بعلاوه این پروتکل مقرر کرده است که: «در مخاصمات باید اقدامات مراقبتی برای حفاظت از محیط زیست طبیعی در مقابل خسارات پایدار، طولانی مدت و شدید بعمل آید... بکارگیری شیوه‌ها و ابزار در مخاصمات با هدف یا احتمال ورود چنین خساراتی به محیط طبیعی و نتیجتاً صدمه به سلامتی یا حیات جمعیت که در محدوده آن حفاظت قرار می‌گیرند ممنوع است». «بند ۲ ماده ۵۵ نیز صراحتاً حمله بر علیه محیط زیست طبیعی به عنوان اقدامات تلافی جویانه را ممنوع کرده است. هدف کنوانسیون ۱۹۷۶ راجع به ممنوعیت هرگونه استفاده نظامی یا هرگونه استفاده دیگری از تکنیک‌های تغییر محیط زیست

چارچوب عمل هیوگو برای دهه ۲۰۰۵ تا به منظور تقویت توانایی و فعالیت‌ها برای مقابله با بلایا از اسناد این کنفرانس بود. این برنامه‌ی عمل شامل اهداف، اولویت‌ها و اقدام‌های اجرایی است و خواستار مشورت با سازمان‌های ذی‌ربط از جمله جامعه مدنی برای اجرای این برنامه شده است.

«نهضت صلیب سرخ و هلال احمر با همه‌ی ارکان آن، در امر کمک‌های بشردوستانه، موقعیتی منحصر به خود دارد. به موجب موافقتنامه ۲۰ اکتبر ۱۹۸۹ در وضعیت‌های جنگی، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ رهبری فعالیت‌های بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر را به عهده دارد و در حالت صلح، اتحادیه جهانی صلیب سرخ، هماهنگ کننده کمک‌های جمعیت در پی بروز بلایای طبیعی بزرگ می‌باشد. بر این اساس، علاوه بر فعالیت‌های عملی، اتحادیه‌ی مزبور، در سال ۱۹۹۵ یک مجموعه قواعد رفتاری برای نهضت صلیب سرخ و هلال احمر و سایر سازمان‌های غیردولتی راجع به کمک‌رسانی به قربانیان بلایا تنظیم نمود. این قواعد رفتاری، به منظور حفظ معیارهای ضروری به هنگام رودرویی با بلایای طبیعی از سوی سازمان‌های غیردولتی و نهضت صلیب سرخ و هلال احمر است و به صورت داوطلبانه، هر سازمانی که آن را بپذیرد، می‌تواند اجرا نماید. تا اواخر سال ۲۰۰۷، ۴۱۶ سازمان بشردوستانه این سند را پذیرفته و امضاء کرده‌اند. در ضمیمه شماره یک این سند، از دولت دریافت کننده کمک‌ها می‌خواهد به سازمان‌های غیر دولتی که اصول بشردوستانه را رعایت می‌کنند. حق دسترسی سریع به قربانیان را بدهد. در ضمیمه شماره ۲، از کشورهای حمایت‌کننده می‌خواهد تا مساعی جمیله خود را برای تسهیل در دسترسی این

بنابراین دولت‌ها باید حقوق بین‌الملل را محترم شمرده و حفاظت از محیط زیست را در زمان‌های برخورد‌های مسلحانه رعایت نموده و با یکدیگر در بسط بیشتر آن همکاری نمایند.» «چنین ادعا شده که اصل یاد شده مبین هنجاری از حقوق بین‌الملل عرفی می‌باشد. شورای امنیت نیز تخریب محیط زیست در هنگام مخاصمات مسلحانه را تهدید علیه صلح تلقی کرده است کما این که این شورا در قطعنامه ۶۸۷ دولت عراق را برای «هرگونه زیان و خسارت مستقیم زاجمله خسارت به محیط زیست و نقصان منابع طبیعی» که به علت اشغال کویت حادث می‌شد را مسئول شناخت» (سابینا، ۲۰۰۳، ۵۶).

دیوان دادگستری بین‌المللی نیز در بخشی از رأی مورخ ۸ ژوئای ۱۹۹۶ خود در نظریه مشورتی راجع به قانونی بودن بکارگیری سلاح‌های هسته‌ای در هنگام مخاصمات مسلحانه براساس حقوق بین‌الملل، تأثیر زیان‌آور انفجارات هسته‌ای بر محیط زیست را مورد بررسی قرار داد و اعلام کرد: «دولت‌ها باید ملاحظات زیست محیطی را به‌نگام ارزیابی ضرورت و تناسب در پیگیری قانونی بودن اهداف نظامی مد نظر قرار دهند ... و رعایت محیط زیست یکی از عناصری است که برای ارزیابی این که آیا یک اقدام منطبق با اصول ضرورت و تناسب می‌باشد لازم است. دیوان همچنین نتیجه‌گیری کرده که: «بنابراین یافته دادگاه اینست که حقوق بین‌المللی موجود مرتبط با حفاظت و محافظت از محیط زیست مشخصاً بکارگیری سلاح‌های هسته‌ای را ممنوع نکرده است، بلکه مشعر بر این است که عوامل مهم زیست محیطی در بستر اجرای اصول و قواعد حاکم بر مخاصمات مسلحانه متناسباً مد نظر قرار گیرند؛» لذا از منظر

که تقریباً همزمان با پروتکل الحاقی منعقد شد نیز منع تلاش برای بکارگیری محیط زیست به عنوان یک ابزار جنگی بود.» پاراگراف اول ماده ۱ این کنوانسیون مقرر کرده است: «هر یک از متعاهدین متعهد می‌شود که در عملیات نظامی یا اشکال دیگر عملیات خصمانه با قصد بهره‌گیری از تکنیک‌های تغییر محیط زیست که دارای تأثیرات گسترده، دراز مدت و شدید بر محیط زیست هستند به عنوان وسیله تخریب، ورود خسارت یا ضرر به هر کشور دیگری وارد نشوند.» پاراگراف دوم این ماده پا را از این فراتر گذاشته و معاونت در این اقدامات را نیز ممنوع کرده است: «هر کدام از اعضای این کنوانسیون متعهد می‌شود که هیچ کدام از دولت‌ها، گروهی از دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی را کمک، ترغیب و یا تحریک به ورود در اقداماتی که بر خلاف مقررات پاراگراف ۱ این ماده است ننماید.» «اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز بعضی از اقدامات منجر به تخریب محیط زیست را جرم انگاری نموده است و به دیوان صلاحیت رسیدگی به بعضی از اقداماتی که سبب ورود خسارت به محیط زیست می‌شود را داده است. شروع یک حمله با علم به این که چنین حمله‌ای سبب زیان ناگهانی به حیات یا صدمه به غیرنظامیان یا سبب ورود خسارت به اشیاء غیرنظامی و محیط می‌شود عناصر متشکله جرم جنگی است» (دانلی، ۲۰۰۴، ۷۶). کنوانسیون ۱۹۸۰ ابزارهای جنگی متعارف نیز حاوی مقرراتی راجع ممنوعیت روش‌ها و ابزارهای نظامی است که موجب خسارات بر محیط زیست به هنگام برخورد‌های نظامی است. ماده ۲۴ اعلامیه ۱۹۹۲ ریو راجع به محیط زیست و توسعه نیز مقرر کرده است: «مخاصمات مسلحانه ذاتاً مخرب توسعه پایدار است؛

زیستگاه بشر و منابع لازم برای ادامه حیات او، در صدر تهدیدهای جدید قرار دارد. از طرفی متولی خاصی برای تصمیم‌گیری، ساماندهی و مقابله با این تهدیدات وجود ندارد و دولت‌ها نیز مایل یا قادر به اقدام انفرادی نیستند. به همین دلیل ابناء بشر از طریق سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی خود به مشارکت و اقدام مستقیم پرداخته‌اند. در خصوص چگونگی مقابله با این تهدیدات جدید و حق و تکلیف دولت‌ها حقوق بین‌الملل موضوع تا حد زیادی با خلأ حقیقی مواجه بوده و از جامعیت و انسجام کافی برخوردار نیست.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

زیست محیطی نیز روشن است که دولت‌ها الزامات متعددی به هنگام مخاصمات مسلحانه بر عهده دارند.

۶. نتیجه

با تفسیر موسع از مفهوم "امنیت" و تغییر رویکرد نظام بین‌الملل از امنیت بین‌المللی به "امنیت انسانی"، هم مفهوم امنیت دستخوش تحول شده است و هم منشأ و عوامل تهدید امنیت تغییر پیدا کرده است. امنیت انسانی مقوله‌ای عام و شامل امنیت سیاسی، نظامی، اقتصادی، بهداشتی، و زیست محیطی است. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به موجب کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷ و نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر در وسیع‌ترین سطح، بر این حق تأکید دارد، به موجب اصول و قواعد صلیب سرخ در مورد کمک‌های بشردوستانه، صلیب سرخ و هلال احمر، یک وظیفه‌ی اساسی برای ارائه کمک به همه قربانیان حوادث و بلایا دارند. در قطعنامه‌های شورای امنیت نیز در مواردی به تکلیف دولت‌ها مبنی بر پذیرش یا اجازه عبور به محموله‌های بشردوستانه اشاره شده و نوعی الزام حقوقی پیدا کرده برای آن قائل است. بر همین اساس برخی بر این باورند کمک‌های بشردوستانه‌ی دولت‌ها، به عنوان یک تعهد حقوقی برای آنها و یک حق برای قربانیان است. با این حال، حق بر دریافت کمک‌های بشردوستانه را می‌توان بر مبنای حق حیات و بقای آن، توجیه کرد؛ بدین سان که استمرار حیات و کرامت بشری، منوط به دریافت این نوع کمک‌ها است. تهدیدات زیست‌محیطی و تغییرات اقلیمی و آب و هوایی به جهت اینکه مرزگذر بوده و منتظر ویزا برای ورود به کشورها نمی‌مانند و به دلیل به‌مخاطره انداختن

منابع

منابع فارسی

- افتخاری، اصغر، مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی، چاپ سوم، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۷.
- انصاری، باقر، «مبانی حقوق همبستگی»، فصلنامه حقوق (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی)، شماره چهار، ۱۳۹۰.
- ایوانز، گراهام؛ نیونهام، جفری، فرهنگ روابط بین‌المللی، ترجمه حمیرا مشیرزاده و حسین شریفی طرازکواهی، چاپ دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۱.
- آرماتیا کومارش، سن، توسعه به مثابه آزادی، ترجمه حسین راغفر، چاپ اول، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۸۱.
- آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی، چاپ نهم، تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۸۶.
- بوزان، باری، مردم- دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸.
- بوزان، باری؛ ویور، اولی؛ دووید، پاپ، چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب، چاپ دوم، تهران، نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۲.
- بیگزاده، ابراهیم، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، چاپ نهم، تهران، انتشارات مجمع علمی فرهنگی مجد، ۱۴۰۲.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ سی و هفتم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۴۰۲.
- خلیلی، رضا، «تحول تاریخی گفتمان مفهوم امنیت»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره اول، ۱۳۸۳.
- خلیلی، رضا، «مهاجرت نخبگان- پدیده اجتماعی یا موضوع امنیت ملی»، نشریه مطالعات راهبردی، شماره دو، ۱۳۸۵.
- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- روشندل، جلیل، امنیت ملی و نظام بین‌الملل، چاپ دهم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۴.
- شایگان، فریده، حق توسعه، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۸.
- شهبازی، آرامش، «توسعه پایدار یا پایداری توسعه در حقوق بین‌الملل»، نشریه حقوقی بین‌المللی، شماره چهل و دو، ۱۳۸۹.
- عنان، کوفی عطا، با آزادی بیشتر به سوی توسعه- امنیت و حقوق بشر (گزارش دبیر کل)، ترجمه سازمان ملل متحد، چاپ اول، تهران، انتشارات ایشاری، ۱۳۸۴.

منابع لاتین

- Boyle, Alan, «Human Rights or Environmental Rights? A Reassessment», Journal of Fordham Environmental Law Review, No. 3, 2008.
- Bulent, Algan, «Rethinking Third generation human Right», Journal of Anlara law Reviw, No. 1, 2004.
- Donnelly, Jack, Realism and international Relation, 1th Edition, UK, Cambridge university press, 2004.
- Ghavam, seyed Abdil Ali, «Conceptual shift in international Relation & the changing world», Iranian Journal of international Affairs, No.1, 1995.
- JORGE, Nef, Human security and mutual vulnerability the global political economy of development and underdevelopment, 2th Edition, Canada, Publisher International Development Research Centre, 1999.
- Sabina, Alkeive, A conceptual frame work for Human Security, 1th Edition, UK, Publications of the Center for Research on Inequality in Human Security and Ethnicity (CRiSE) and university of oxford press, 2003.
- فن نیگروشتروم، باربارا، امنیت انسانی و حقوق بین‌الملل، ترجمه اردشیر امیرارجمند و حمید قنبری، چاپ اول، تهران، نشر مجد، ۱۳۸۹.
- فیروزی، مهدی، حق بر محیط زیست، چاپ اول، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۲.
- ماندل، رابرت، چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ پنجم، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۴۰۲.
- موسوی، سید فضل‌اله، سیر تحولات منابع حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، چاپ سوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۵.
- هافندرون، هلگا، «معمای امنیت- نظریه‌پردازی و ایجاد قواعد در زمینه امنیت بین‌المللی»، ترجمه علیرضا طیب، فصلنامه سیاست خارجی، شماره چهار، ۱۳۸۱.

- Subrota, ghatak, introduction to development economics, 1th Edition,London, Publisher routledse,1995.
- Undp, HDR,« our global neighborhood report of the commission on global government», available at http://www.gdrc.org/u-gov/global_neighborhood,1990.